عبور تعداد قربانیان زلزله ترکیه از ۵۱ نفر

شمار تلفات زمین‌لرزه ترکیه از۵۱ نفر بیشتر شد و احتمال افزایش این آمار وجود دارد. به گزارش ایسنا و بنابر اعلام مرکز مدیریت بلایا و شرایط اضطراری ترکیه، شمار تلفات زمین‌لرزه روزجمعه که غرب ازمیر را لرزاند و در یونان هم احساس شد بیشتر از ۵۱ نفر شد. تعداد مصدومان بیش از ۹۰۰ نفر اعلام شده که احتمال افزایش قربانیان و مصدومان ناشی از این زمین‌لرزه هفت ریشتری وجود دارد. نیروهای امدادی همچنان در میان آواره ساختمان‌های تخریب‌شده در حال جست‌وجو با سگ‌های زنده‌یاب هستند تا بتواند ردی از افراد گرفتار در زیر آوار پیدا کنند. همچنین نیروهای امدادونجات در حال جست‌وجو در میان آوارهای به‌جامانده از ۹ ساختمان هستند. این زمین‌لرزه باعث وقوع سونامی خفیف و جاری‌شدن آب در خیابان‌های شهرهای ساحلی شد. همچنین این زمین‌لرزه در جزیره ساموس در یونان نیز با خسارت همراه بوده و باعث فوت دو نفر و مصدومیت ۲۰ نفر شده است.

یکی از سارقانی که چند روز پیش به علی دایی حمله کرده بود، دستگیر شد

فکر می‌کردیم بدل علی دایی است

گروه حوادث

پلیس، پس از چهار روز یکی از سارقان گردنبند علی دایی را دستگیر کرد. تحقیقات برای دستگیری همدست او ادامه دارد. متهم مدعی است فکر می‌کردند بدل علی دایی بوده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، حوالی غروب چهارشنبه هفتم آبان امسال، علی دایی همراه دخترش هنگام خروج از دفتر کار خود در خیابان آصف زعفرانیه از سوی دو موتورسوار مورد حمله قرار گرفت و سارقان با سرقت گردنبند طلای او، متواری شدند.

پرونده‌ای در این ارتباط در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران تشکیل شد و پلیس پایتخت جست‌وجوها را آغاز کرد. بازبینی دوربین‌های مداربسته نشان داد سارقان در کمتر از چند ثانیه به این دزدی دست زده‌اند. فیلم این دزدی خیلی زود در فضای مجازی منتشر شد و ماموران روز یکشنبه یازدهم آبان، با گذشت چهار روز از وقوع دزدی، سارقی به نام فرشید را در یکی از محله‌های تهران شناسایی و بازداشت کردند. او دیروز مورد تحقیقات پلیسی ـ قضایی قرار گرفت و اعتراف کرد که با دوستش دست به این دزدی زده‌اند، بعد طلای سرقتی را فروخته و نیمی از پول آن سهم وی شده است. او در بازداشت به سر می‌برد و پلیس در جست‌وجوی همدست فراری او و کشف دیگر جرایم‌شان است.

عاشق علی دایی هستم

سابقه‌دار است و بعد از سرقت تازه فهمیده از علی دایی سرقت کرده است. می‌گوید خودم عاشق علی دایی بودم و اگر می‌دانستیم مالباخته علی دایی است، سراغش نمی‌رفتیم.

سابقه‌داری؟

سه سابقه کیفری در زمینه سرقت و زورگیری دارم.

معتادی؟

مدتی است شیشه مصرف می‌کنم.

پیش از اعتیاد چه‌کاره بودی؟

در کار ساخت و نصب دروپنجره فعالیت داشتم، اما اعتیاد مرا به سمت خلاف و دزدی برد.

علی دایی را می‌شناختی؟

بله. بهترین مهاجم فوتبال است و آقای گل جهان. شیفته بازی‌هایش هستم و همه بازی‌های او را در تیم ملی، پرسپولیس و آلمان دنبال کرده‌ام.

خودت هم فوتبال بازی می‌کنی؟

در نوجوانی در محله‌مان فوتبال بازی می‌کردم و آن زمان به خاطر عشقم به علی دایی لباس شماره ۱۰ را می‌پوشیدم.

از روز سرقت بگو.

مدتی بود که گردنبندقاپ شده بودیم. در این روزهای کرونایی دزدی می‌کردیم و آخرین سرقت‌مان از علی دایی بود. آن شب من و همدستم شیشه مصرف کرده و حال درستی نداشتیم. من راننده بودم، به همین دلیل کنار موتور ایستادم و همدستم پیاده شد تا طعمه‌ای پیدا کنیم که یکدفعه مردی را دیدیم که گردنبند گرانقیمتی به گردن داشت. همدستم به وی حمله کرد، گردنبند را قاپید، سوار شد و فرار کردیم. می‌گفت مالباخته شبیه علی دایی بود. چون بدل چند فوتبالیست خارجی و ایرانی را دیده و با آنها عکس گرفته بودم، گمان کردم حتما بدل او بوده و همدستم اشتباه می‌کند.

بعد از فرار کجا رفتید؟

چند ساعت سرگردان خیابان بودیم. فردای آن روز فیلم صحنه سرقت خودمان را دیدیم، فهمیدیم مالباخته علی دایی بوده و خیلی ترسیدیم. مانده بودیم چه کنیم. اگر طلا را در تهران می‌فروختیم، خیلی زود دستگیر می‌شدیم. به همین خاطر به یکی از شهرهای اطراف تهران رفته و آن را به مبلغ ۵۰ میلیون تومان به مالخری فروختیم بعد متوجه شدیم ارزش آن ۱۵۰میلیون تومان بوده است. پول به دست آمده را نیز میان هم تقسیم کردیم و بعد از آن ارتباطم با همدستم قطع شد.

بعد از این سرقت برخی‌ها گفتند شما اجیر شده بودید.

نه. ما سرقت را اتفاقی انجام دادیم، اگر مطمئن بودیم خودش است، سرقت نمی‌کردیم.

متهم:
بعد از سرقت گردنبند را ۵۰میلیون تومان فروختیم که متوجه شدیم ۱۵۰میلیون تومان می‌ارزیده است

عشقی که با جنایت پایان گرفت

مرد افغان که به خاطر طلبش، برادرزن خود را به قتل رسانده بود، در دادگاه به تشریح جنایت پرداخت.

به گزارش خبرنگار کیفری جام‌جم، دو سال قبل و همزمان با گزارش قتل نگهبان یک ساختمان نیمه‌کاره تحقیقات در این پرونده آغاز شد. تیم جنایی با حضور در محل متوجه شدند، مقتول مردی افغان است که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده‌است. بررسی صحنه جنایت نشان می‌داد، او از سوی قاتلی آشنا به قتل رسیده است.

کارآگاهان در ادامه خانواده مقتول را شناسایی کردند و به تحقیق از آنها پرداختند که برادرش سرنخ کشف این جنایت را به پلیس داد. او به ماموران گفت: برادرم چند سال قبل پولی را از دامادمان قرض گرفت، اما نتوانست آن را برگرداند. چند روز قبل دامادمان به نام بصیر سراغم آمد و آدرس برادرم را گرفتم. حالا احتمال می‌دهم او مرتکب قتل شده باشد.

با کشف این سرنخ، احتمال قتل توسط بصیر مطرح شد و ماموران او را تحت تعقیب قرار دادند تا این‌که بعد از چند روز فرار متهم به قتل را دستگیر کردند. متهم ابتدا منکر قتل شد، اما در ادامه به قتل اعتراف کرد و گفت: به خاطر اختلاف مالی با او درگیر شدم. به خانواده‌ام فحش داد که بیشتر عصبانی شدم و با چاقو به بدنش ضربه زدم.

با تکمیل تحقیقات، پرونده این جنایت برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال و متهم به ریاست قاضی زالی و با حضور قاضی علی دلداری محاکمه شد. در این جلسه اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کردند.

متهم هم در دفاع از خود گفت: شش سال قبل عاشق خواهر مقتول شدم و به خواستگاریش رفتم. خانواده‌اش مخالف این ازدواج بودند، اما آن‌قدر اصرار کردم که قبول کردند با شیربهای بالا ازدواج کنیم. من این شیربها را دادم اما پدر همسرم همچنان مخالفت می‌کرد. مقتول سراغم آمد و خواست پولی به او قرض دهم تا پدرش را راضی کند. من هم قبول کردم و این پول را به او قرض دادم. قرار بود دو ماهه بدهی‌اش را بدهد، اما هر بار بهانه‌ای آورد. روز قتل سراغش رفتم و خواستم پول را بدهد، ولی به خانواده‌ام فحاشی کرد و به سمتم حمله‌ور شد. من هم در دفاع از خودم او را با ضربه‌های چاقو کشتم. چاقو متعلق به خودش بود. من برای ازدواج با همسرم خیلی تلاش کردم، اما بعد از قتل او مرا ترک کرد. من قصدی برای قتل نداشتم و حالا درخواست بخشش دارم.

پس از دفاعیات متهم، قضات برای تصمیم‌گیری در این باره وارد شور شدند.

جسد کوهنورد حرفه‌ای بعد از ۱۱ روز جست‌وجو پیدا شد

آخرین صعود

قرار بود برای یک روز به کوه برود و لذت صعود را دوباره تجربه کند، اما روحش خبر نداشت آخرین صعودش خواهد بود و در همان ارتفاعات و جایی که ۲۰ سال تمام از عمرش را در آن سپری کرده بود، جانش را از دست می‌دهد.

نه همسرش حال خوبی دارد و نه دیگر اعضای خانواده‌اش. فوت ناگهانی‌اش، همه و حتی دوستان همنوردش را شوکه کرده است. هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد او این‌طور از دنیا برود. به گفته یکی از بستگان فرهاد احمدپور، او کوهنورد بی‌تجربه‌ای نبود و اولین باری نبود که با کوه و قله دست و پنجه نرم می‌کرد: «او ۲۹ مهرماه به همسرش گفت که ساعت چهار صبح برای صعود به «شش قله» به لواسان می‌رود و فردا ساعت ۱۲ شب هم در خانه خواهد بود. فردای آن روز، حوالی ساعت ۱۲ شب، همسرش چشم به راهش بود تا به خانه برگردد، اما هر چه منتظر ماند نیامد. با گوشی‌اش چندبار تماس گرفت، اما از دسترس خارج و همین باعث شده بود تا بیشتر نگران شود. دل همسرش بدجور شور می‌زد و دائم نگران بود که چه اتفاقی برای او افتاده است.»

همسر فرهاد همه را در جریان ناپدید شدن همسرش قرار داد و از آنها درخواست کمک کرد. فردای روز ناپدید شدن فرهاد، اعضای خانواده او همراه همنوردان و امدادگر کوهستان، گشتزنی را آغاز کردند: «۱۰ روز تمام این گشتزنی‌ها ادامه داشت و خطرات مختلفی، سلامت همنوردان و امدادگر کوهستان را تهدید می‌کرد و ممکن بود آنها هم دچار آسیب‌دیدگی شوند یا حتی جان خود را از دست دهند، اما هرچه گشتند، هیچ اثری از فرهاد ۵۲ ساله نبود. شاید ۲۰۰ نفر دنبال او می‌گشتند، ولی پیدایش نکردند. روز یازدهم بالاخره او را در حالی که از ارتفاع بلندی سقوط کرده بود، پیدا کردند. بر اساس گفته‌ها، علت سقوط او سرگیجه و فشار پایین بود و همین باعث سقوط او شده بود. برای ما هم خیلی عجیب بود. با این‌که از ارتفاع بسیار بلندی سقوط کرده بود، اما نه تنها کوچک‌ترین جراحتی برنداشته بود، بلکه حتی پیکرش بو هم نگرفته بود.»

او با لحنی پر از بغض ادامه می‌دهد: «آقا فرهاد مرد بسیار بااخلاقی بود و همه با نیکی از او یاد می‌کردند. روز تشییع جنازه‌اش کسی نبود که برایش اشک نریزد و نه‌تنها خانواده‌اش که بسیاری از دوستان و همنوردانش او را دوست داشتند.»

پلیس سایه به سایه در تعقیب قاتل خواهرزن

مرد میانسال بعد از طلاق همسرش به سمت خانواده او حمله‌ور شد و خواهرزنش را به قتل رساند. بازپرس جنایی مشهد خواستار انتشار عکس بدون پوشش قاتل فراری شده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، صبح روز پنجشنبه گذشته، صدای درگیری و کمک‌خواهی سکوت خیابان دریای اول مشهد را شکست.

اهالی وقتی از خانه بیرون آمدند با زن و مرد همسایه روبه‌رو شدند که غرق در خون روی زمین افتاده بودند. مرد میانسالی هم چاقو به دست، سوار موتورسیکلتش شد و از محل گریخت.

دو مصدوم حادثه به بیمارستان منتقل شدند و زنی که شاهد ماجرا بود به ماموران گفت: متهم شوهر سابق خواهرم بود. او امروز در خانه‌مان آمد و با چاقو ابتدا همسرم را زخمی کرد، بعد خواهرم وارد درگیری شد که او را هم مجروح کرد. با داد و فریاد از همسایه‌ها کمک خواستم که ضارب از ترس گریخت.

تحقیقات نشان داد، ضارب ۵۲ساله به نام قادر معروف به رضا، اختلاف شدیدی با همسرش داشته و چند بار او را به مرگ تهدید کرده بود. همین رفتار باعث شده او درخواست طلاق دهد و از همسرش جدا شود. رضا که خانواده همسرش را عامل این جدایی می‌دید، پنجشنبه مقابل خانه باجناقش می‌رود و ابتدا او را زخمی کرده و بعد به جان خواهرزن ۴۵ ساله‌اش افتاده و ضرباتی مرگبار به او وارد می‌کند.

زن ۴۵ساله به خاطر شدت جراحات به کما رفته بود که روز شنبه جان باخت. با مرگ او پرونده در اختیار کاظم میرزایی، بازپرس جنایی مشهد قرار گرفت. او با حضور در بیمارستان و تحقیقات اولیه دستور دستگیری متهم را صادر کرد.

بازپرس میرزایی دیروز به جام‌جم گفت: متهم پس از اطلاع از قتل خواهرزنش به محلی نامشخص گریخته که تجسس‌ها برای دستگیری او ادامه دارد. برای شناسایی مخفیگاه متهم عکس او بدون پوشش در روزنامه منتشر شود و افرادی که از مخفیگاه او اطلاع دارند، با شماره ۰۹۳۶۳۲۵۷۴۶۸ تماس گرفته و موضوع را اطلاع دهند.

دردسر تصادف مرگبار با سارق موبایل‌قاپ

راننده تیبا برای دستگیری دزدان موبایلش با آنها تصادف کرد و مرگ یکی از دزدان را رقم زد. راننده به خاطر این تصادف مرگبار بازداشت شده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، بعدازظهر جمعه نهم آبان امسال مردی با پلیس تهران تماس گرفت و خبر داد که خودروی تیبایی با دونفر تصادف کرده است. ماموران با حضور در محل، راننده را به کلانتری منتقل کردند و دو مصدوم هم به بیمارستان انتقال یافتند. ساعاتی بعد یکی از مسوولان بیمارستان در تماس با پلیس از مرگ یکی از مصدومان خبر داد.

در ادامه تحقیقات از راننده آغاز شد که او به ماموران گفت: شیشه ماشین پایین بود که در محلی خلوت موتورسواری نزدیک خودرویم شد و ترک‌نشین آن گوشی‌ام را دزدید. با فرار سارقان آنها را تعقیب کردم که به خاطر سرعت بالا تعادلشان را از دست داده و زمین افتادند. گوشی را از آنها گرفته و با اورژانس تماس گرفتم.

این درحالی بود که تیمی از کارشناسان پلیس راهور در محل تصادف حاضرشده و به بررسی موضوع و تحقیق از شاهدان ماجرا پرداختند که در جریان تحقیقات از آنها معلوم شد، راننده در جریان تعقیب‌وگریز به‌عمد به موتورسیکلت برخورد کرده تا آنها را متوقف کند که این ماجرای مرگبار رقم خورده است.

با مشخص‌شدن این موضوع، راننده برای تحقیقات بیشتر تحویل کارآگاهان اداره ویژه قتل شد.

کوتاه از حوادث

- جوان ۲۱ ساله هنگام تخریب ساختمان قدیمی زیر آوار ماند و فوت شد. ساعت ۱۱و ۳۷ دقیقه دیروز حادثه در ساختمان قدیمی در حال تخریب در محله حکیمیه خیابان خرم‌پگاه به آتش‌نشانی گزارش شد. آنها با حضور در محل، مشاهده کردند کارگران در یک ساختمان دو طبقه قدیمی در حال انجام کار بودند که به یکباره سقف طبقه اول تخریب شده و یکی از کارگران زیر حجم زیادی از بتون و آهن گرفتار شده است. عملیات آواربرداری آغاز شد و سرانجام پیکر کارگر ۲۱ ساله را در حالی بیرون آوردند که او فوت شده بود.
- تصادف سواری زانتیا با پله‌های پل عابر پیاده به مرگ راننده منجر شد. صبح دیروز وقوع تصادف سواری زانتیا در مسیر شمال به جنوب جنت‌آباد رمپ همت غرب به پلیس گزارش شد. ماموران در بررسی محل متوجه شدند که خودرو با جدول و بعد پایه‌های پل عابر برخورد و متوقف شده‌است. راننده نیز به دلیل شدت صدمات فوت کرده‌است. بررسی پلیسی نشان داد که نبود توانایی راننده در کنترل وسیله نقلیه باعث این حادثه مرگبار شده‌است.
- جوان مشهدی در پیست موتورسواری دچار حادثه شد و فوت کرد. روز جمعه نهم آبان امسال در پیست موتورسواری ثامن شاندیز جوان ۲۰ ساله‌ای که برای گرفتن فیلم با گوشی تلفن همراهش به کنار پیست آمده بود، با یک موتورسوار که از داخل پیست منحرف شده بود، برخورد شدیدی کرده و به دلیل شدت صدمات فوت کرد.

- ریزش کوره آهک‌پزی به مرگ یک نفر و مصدومیت فرد دیگری منجر شد. ظهر دیروز این ریزش آوار در کارگاه کوره آجرپزی دشت زحمتکشان کرمان رخ داد. مرد ۳۷ ساله به دلیل شدت صدمات در این حادثه فوت کرد و تنها فرد ۲۵ ساله مصدوم روانه بیمارستان شد.
- زنی میانسال در تهران، با ۴۰ فقره کلاهبرداری از طریق جعل رسید پرداخت بانکی بازداشت شد. اوایل مهر امسال پرونده کلاهبرداری از سوی شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۱۰ تهران به پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران ارسال شد. با تحقیقات از شاکی معلوم شد که او گوشی تلفن‌همراه را به مبلغ سه میلیون تومان برای فروش در فضای مجازی آگهی کرده بوده که زن میانسالی به‌عنوان مشتری با او قرارگذاشته و بعد از توافق مشتری زن خرید را از طریق اپلیکیشن‌های بانکی پرداخت و رسید را به شاکی داده است. بعد از رفتن این زن، او متوجه شد پولی به حسابش نیامده و آن زن کلاهبردار است.

در جریان تحقیقات افراد دیگری هم که در دام او افتاده بودند به پلیس آگاهی آمده و شکایت‌های مشابه را مطرح کردند. در ادامه تحقیقات معلوم شد متهم دارای سوابق مختلف کیفری از جمله سرقت مسلحانه، زورگیری و دزدی از اماکن است و تحت تعقیب پایگاه‌های دوم و سوم آگاهی تهران قرار دارد. او سرانجام چند روز پیش در خیابان جیحون در خانه‌ای شناسایی و بازداشت شد.

متهم تاکنون به ۴۰ فقره کلاهبرداری به شیوه جعل رسید پرداخت بانکی اعتراف کرده است.

- مردی که به خاطر اختلاف قدیمی روی تبعه افغانستان اسید ریخته بود، در کمتر از دو ساعت دستگیر شد. در ساعات پایانی شنبه، دهم آبان امسال، وقوع اسیدپاشی بر روی فردی تبعه افغانستان به پلیس گزارش شد. در ادامه ماموران انتظامی کلانتری شهر دیر به محل اعزام شدند. در جریان تحقیقات از این مرد معلوم شد فردی با وی اختلاف داشته و بعد از دعوا، روی او اسید ریخته و متواری شده است. مصدوم اسیدپاشی به بیمارستان کنگان منتقل و بستری شد. هویت مرد اسیدپاش به دست آمد و او در کمتر از دو ساعت از حادثه شناسایی و بازداشت شد.